

عنوان مقاله:

روایت انتقاد طنزآمیز برادری دارا و اسکندر

محل انتشار:

مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، دوره 12، شماره 44 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

نویسندگان:

معصومه زندیه - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران

تیمور مال میر - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان، کردستان، ایران

خلاصه مقاله:

اسکندر به سبب ویرانی و کشتار و غارت‌هایش، در منابع قدیم ایرانی ملعون و گجسته خوانده شده اما در منابع متأخر تحت تأثیر افسانه‌ها و خیال پردازی‌های یونانی، از او به نیکی و بزرگی یاد شده و شخصیتی مثبت یافته است. محققان عمدتاً تردید ندارند که شخصیت اسکندر در شاهنامه منفی است اما وجود دو مسئله را با این شخصیت منفی در تناقض دیده‌اند: یکی روایت برادری دارا و اسکندر و دیگری نقل مفصل سرگذشت وی، تا جایی که تصور کرده‌اند این نقل مفصل، دلالتی بر مقبولیت و چهره مثبت یافتن اسکندر است. در مقاله حاضر براساس روش ساختارگرایی نشان داده‌ایم نسبت برادری دارا و اسکندر نه برای جبران شکست و حفظ غرور ملی، بلکه یک طنز گزنده نسبت به عملکرد ناشایست حاکمانی بوده که با بی‌تدبیری یا خودفروختگی، راه را برای تجاوز بیگانه هموار می‌کرده‌اند. نقل مفصل داستان اسکندر در شاهنامه نیز به علت سرسلسله سلوکیه‌بودن اسکندر با دوره حکومت نسبتاً طولانی در تاریخ ایران است و دلالتی بر نگاه مثبت به اسکندر نمی‌کند چون در ضمن آن مطالبی گنجانده شده که حاوی نوعی اعتراض و انتقاد نسبت به نژاد و تبار اوست و افسانه‌هایی را نقش برآب می‌کند که برای تثبیت اسکندر و جانشینان وی درست شده است. پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای گرد آمده و با روش توصیفی-تحلیلی پردازش شده است.

کلمات کلیدی:

اسکندر، دارا، ساختارگرایی، سلوکیه، شاهنامه، طنز

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1148199>

